

قاچاقچیان دولتی مواد مخدرکیها هستند؟؟؟

" پژوهش مستند در مورد زرع ، تولید و قاچاق موادمخدر "

قسمت چهارم (استاد صباح)



تطبيق قانون ، حاکمیت ملی ، تحقق دموکراسی ، آزادی و عدالت اجتماعی ، قاچاق ، تولید و عرضه مواد مخدر ، اداره مردم سالاری ، جلوگیری از جرم و جنایت از قبیل (رشوت ، دزدی ، مردم آزاری ، زورگویی ، فشار اجتماعی ، تصرف دارای عامه ، خرید و فروش املاک دولتی ، خود سری ...) خلع سلاح عمومی ، معرفی مجرمین و خیانت کاران ، عاملین اصلی قتل های مقامات دولتی با گذشت سالها عمومیت نیافته و سهل انگاری های فراوان بچشم میخورد که این نیز مصلحت اندیشی و ناگذیری دولت را به نمایش می گذارد . طی این مدت فقط و فقط فشار ، زورگویی ، حق تلفی ، تحقیر و توهین به مردم بی دفاع و روشنفکران ستم دیده چه در داخل و چه در خارج روا داشته شده است و به شکل از اشکال دسیسه ها و نیرنگ های گوناگون بکار گرفته شد تا جلوحقایق گویی و حقیقت نویسی روشنفکران و سیله تفنگداران در داخل و نمایندگان رسمی و غیررسمی آنان در بیرون گرفته شود .

فساد اداری و درآمدهای بالای مواد مخدر باعث می شود که اراده ای در نزد دولتمداران افغانستان نباشد . اگر اراده ای برای مبارزه وجود داشته باشد مطمئنا ثمر بخش خواهد بود . این باور وجود دارد که بنا به دلایلی و بیشتر از همه مفاد اقتصادی بالا ، هم بخشی از مقامات دولت افغانستان در گذشته و حال و هم عده ای از افراد و اشخاصی که منتسب به جامعه جهانی هستند اینها دست اندکار قاچاق مواد مخدر هستند و منافع این زهر را به جیب می زنند و در نتیجه ما شاهد این هستیم که روند مواد مخدر در افغانستان رو به رشد باشد و یک مافیای بین المللی در افغانستان دست اندرکار هست . بخشهایی از سرزمین افغانستان بیشترین مواد مخدر را تولید می کند که به نحوی اینها به لحاظ قومی و به لحاظ سمتی با دولتمداران افغانستان هم جهت هستند که از جمله ولایت های فراه ، هلمند ، ارزگان و قندهار در راس تولید کنندگان مواد مخدر هستند متاسفانه مسائل قومی هم به نحوی در تولید مواد مخدر نقش دارد و دقیقا سیاست دولت یا یک عده از مقامات

دولت این بوده است که از این پدیده در برخی از ولایات چشم بسته بگذرند. کشورهای خارجی برای حضور در افغانستان از این بهانه استفاده کردند و همچنان بحث تروریسم که برای حضور خودشان در افغانستان مطرح می کردند اما در طول این چهارده سال هیچ اقدامی در این زمینه انجام ندادند و حتی افغانستان را به عنوان یک حیات خلوت خودشان مدنظر گرفتند و از جغرافیای افغانستان برای رفع نیازهای کشورهای اروپایی و کشورهای عضو ناتو استفاده کردند تا تولید این مواد به صورت مستقیم بدون کوچکترین ممانعتی توسط همین کشورهای عضو ناتو از افغانستان انجام شود و همچنین برای تامین نیازهای دارویی کشورهای اروپایی و آمریکا به بسیاری از کشورهای انتقال داده می شود و آنها نیازهایشان را از این طریق رفع می سازند در حالی که در کشورهای خودشان از آفات جانبی این موضوع مصون خواهند ماند. این آفات جانبی باعث شده است که در افغانستان ما معتادان زیادی در افغانستان داشته باشیم و از سویی افغانستان به عنوان تامین کننده نود درصد از مواد مخدر جهان مطرح باشد.

احمد رشید در کتاب سقوط در هرج و مرج اشاره می کند که اداره استخبارات مرکزی آمریکا می خواست که هر برنامه امدادی ایالات متحده در راستای کمک به دستگیری اسامه بن لادن استفاده شود و بیش از این که در بازسازی افغانستان هزینه شود، جنگ سالاران را تقویت کند.

شیث جونز در کتابش تحت عنوان درگورستان امپراتوری ها، جنگ آمریکا در افغانستان، می نویسد که در ابتدای حضور ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا در افغانستان، جنرال برسرین که آیا حضور نیروهای بین المللی فراتر از دروازه های کابل گسترش یابد یا نه، سبب شد تا قوماندانان محلی یا جنگ سالاران خلاء به میان آمده را پُر کنند و شماری از آنان نیز از سوی اردوی ایالات متحده کمک شوند.

در پیوند به جایگاه اقتصادی نیرومندان پُر نفوذ، احمد رشید ژورنالیست سرشناس پاکستانی در کتاب سقوط در هرج و مرج اشاره می کند که پالیسی واشنگتن در حمایت از جنگ سالاران مانع از هر گونه نهاد سازی در حکومت افغانستان می شد. او می نویسد که عاید سالانه گمرکات افغانستان به ۵۰۰ میلیون دالرامریکایی تخمین زده می شد که بیشتر از کل بودیجه این کشور بود، اما در سال ۲۰۰۲ میلادی تنها ۸۰ میلیون دالرجمع آوری شده بود.

رشید در ادامه می نویسد که اشرف غنی که در آن هنگام وزیر مالییه کابینه رییس جمهور کرزی بود، تخمین زده بود که اسماعیل خان در آن هنگام روزانه ۱۶۰ هزار دالر از بابت وسایط که از ایران و ترکمنستان وارد می شدند، به دست می آورد. گل آغا شیرزی، والی وقت کندهار بر عواید بزرگ رفت و آمد وسایط از کوئته و همچنان از تردد لاری ها از هرات به کابل کنترل داشت. در بندر حیرتان، جنبش ۳۷ درصد و جنرال عطا محمد نور ۵۰ درصد عواید را به دست می آوردند. نیرومندان هزاره دوازده درصد بهره می بردند و به اساس همین معلومات تنها یک درصد برای پوشش مصارف و معاشات استفاده می شد. جنگ سالاران همچنان بر منابع طبیعی افغانستان از جمله معادن ذغال سنگ و نمک در بغلان و تخار، کارخانه های سمنت و پنبه، لعل و لاجورد بدخشان، زمرد پنجشیر، معادن طلائی قره ذغن و لسوالی دوشی و همچنین منابع نفت در شبرغان کنترل دارند.

وزارت مبارزه با مواد مخدر اخیرا اعلام کرد که ارزش تجارت مواد مخدر کشور سالانه به هفتاد میلیارد دالر رسیده است که بخش اصلی این پول، به جیب مافیای بین المللی مواد مخدر و قاچاقچیان می ریزد. اما به یقین گفته می توانیم که ارقام واقعی به مراتب بالاتر از چیزیست که اعلام شده و تعدادی از مقامات مهم دولت کرزی خود ریاست مافیای مواد مخدر

شور را در دست دارند. دهقانان نادار و درمانده افغانستان که بار اصلی تولید این مواد را به دوش دارند، فقط بخش ناچیز این درآمد هنگفت را بدست می‌آورند. قاچاق مواد مخدر بخش مهمی از ماموریت امریکا و بریتانیا در افغانستان است. سنس نهاد بریتانیایی بارها تلاش کرده تا کشت مواد مخدر در افغانستان را قانونمند سازد. این نهاد با مصارف میلیارد دلاری در میان دهاقین و زارعین آنها را به کشت و زرع خشخاش تشویق کرد. اینان در حالی تحت نام قانونمند ساختن تولید آنرا در کشور رشد می‌دهند که قبلا کشورهای هند، ترکیه، تایلند و غیره تحت نظارت ملل متحد نیازهای دوايي جهان را با کشت قانونی خشخاش مرفوع می‌سازند. تولید یکساله تریاک افغانستان، برای همه نیازهای دوايي سه ساله جهان کفایت می‌کند، درین حال روشن است که اینان می‌کوشند کشتزارهای خشخاش افغانستان را به خاطر ساخت مواد مخدر قانونی سازند. مافیای مواد مخدر همه شریان‌های دولت را در دست دارند. پولیس، اردو و امنیت در دست آنهاست و مقام‌های امنیتی ۳۴ ولایت افغانستان نیز به دستور همین مافیا نصب و عزل می‌شوند.

مافیای درون دولت برای خرید و فروش، ترافیک و قاچاق مواد مخدر راه‌ها و شیوه‌های مختلفی را در اختیار دارند. بانکها، شرکت‌های امنیتی، شرکت‌های ساختمانی، شرکت‌های ترانزیتی و تجاری، شرکت‌های هوایی، پولیس، اردو و امنیت همه در دست همین افراد قرار دارند. به فرض محال اگر جایی مشکلی پیش آمد، با پرداخت دالر به ادارات فاسد و گندیده دولت، هیچ مانعی‌ای برایشان وجود نخواهد داشت.

عطا محمد نور، قسیم فهیم، ظاهر قدیر، گل آغا شیرزی، زاهد الماس، دین محمد جرئت، بصیر سالنگی، امان الله گذر، پیرم قل، ایوب سالنگی، عبدالروف ابراهیمی، خانواده کرزی به شمول برادران و برادرزاده هایش و جنایت کاران جنگی و قاچاقبران بی‌شمار در صدر فهرست مافیای مواد مخدر هستند. خانواده قسیم فهیم به منظور کاروبار امن و بدون پرس و پال قاچاق مواد مخدر شاهراه کابل - قندهار، کابل - غزنی، زابل - قندهار و قندهار - سپین بولدک در مرز میان افغانستان و پاکستان را در کنترل و اختیار خود قرار داده است. والی‌ها و قوماندان‌های امنیه ولایت‌های غزنی و زابل به دستور و خواست فهیم تعیین می‌شدند.

عبدالرزاق قوماندان امنیه قندهار مانند اسدالله خالد فرد خونخوار و جنایت پیشه از دیگر سربازان گوش به فرمان سیاف است که مسئولیت انتقال مواد مخدر از سپین بولدک به شهرهای کویت و کراچی پاکستان را بر عهده دارد. در باره قاچاقبری و جنایات عبدالرزاق بارها در مطبوعات غربی و بخصوص استرالیا گزارش‌هایی به نشر رسیده اند اما او هنوز هم فرد قدرتمند در قندهار به شمار می‌رود. گفته می‌شود سیاف مالک هشت کشتی انتقالی در بندر کراچی و برخی کشورهای عربی است که بیشتر به منظور کاروبار قاچاق مواد مخدر خریداری شده اند. قیمت هر کشتی ۱۲ میلیون دالر گرفته شده که در مسیر آبهای آسیا - اروپا به کار انداخته شده اند. به همین گونه مرزهای شمال افغانستان از جمله بندر حیرتان، شیرخان بندر و بندر آقینه در اختیار و خدمت جنگ سالاران و بخصوص عطا محمد نور امپراطور ولایات شمال قرار دارند. شبکه مافیای مواد مخدر در تخار و بدخشان بدست قسیم فهیم و افرادش قرار دارد که در این تجارت خانواده فوزیه کوفی و بخصوص برادرانش در آن سهیم اند. ضابط نذیر شاروال بدخشان از دیگر نمایندگان شبکه مواد مخدر خانواده فهیم در آن ولایت به شمار می‌رود. شیرخان بندر در کندز نیز یکی دیگر از مسیرهای عمده قاچاق مواد مخدر محسوب می‌شود و از پلی که توسط امریکاییان با مصرف ۳۷ میلیون دالر بالای دریای آمو اعمار گردیده، جهت انتقال این مواد به آسیای میانه استفاده می‌شود، که از آنجا به بازارهای عمده در روسیه و اروپا راه می‌یابند.